

مبارزات کنونی مردم ایران و نقش کمونیست‌ها^۱

برای مبارزات کنونی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی (مبارزات کارگری، مبارزات زنان، مبارزات اقلیت‌های ملی، مبارزات اقشار میانی، مبارزات علیه ستمگری بر حیوانات یا علیه تخریب محیط‌زیست و غیره) و روند آتی رشد و تکامل آنها، بنظر من، بیشتر از همه دورنمایی بدین شرح را میتوان تصور نمود: سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در آینده‌ای نسبتاً نزدیک میتوان گفت حداکثر تا ده یا پانزده سال دیگر. در این حالت انقلاب ایران قاعداً یک نوع انقلاب دموکراتیک خواهد بود که منجر به حاکمیت دموکراسی بورژوازی (از جمله در مورد حل مسئله اقلیت‌های ملی) و سکولاریسم و توأم با تحولاتی بالنسبه اساسی و پایدار اقتصادی بنفع زحمتکشان (یعنی طبقه کارگر و لایه‌های پایینی اقشار اجتماعی میانی) در چارچوب چنین نظام اساساً بورژوازی خواهد شد. حالت دومی هم مبنی بر شکست انقلاب غیر قابل تصور و غیرممکن نیست ولی پس از آن انجام تغییر و تحولات باصلاح اصلاحی مهم ازسوی رژیم بنفع زحمتکشان با توجه به وضع بشدت خراب و بسیار وخیم کلیت اقتصاد کشور و ماهیت تماماً و بغایت ارتجاعی و ضد مردمی حاکمین اکنون غالب و قاعداً درآینده غالب یعنی سپاه و اصول‌گرایان و خامنه‌ای قاعداً (البته بسختی میتوان استثنائاتی را تصور کرد) امکان‌ناپذیر خواهد بود و میتوان حدس زد که آنگاه نیز در آن اوضاع و احوال بوجود آمده فوق العاده اسفناک برای حکومت اسلامی، بقاء آن و عدم فروپاشی آن و نطائر این قاعداً غیرممکن خواهد شد. و اما حالت سوم مبنی بر تداوم حاکمیت رژیم با وضع فعلی‌اش برای مدتی مثلاً چند دهه و بدون چنان انقلاب و پیامدهای بعدی‌اش به‌گمان من بسیار بعید و وقوع‌ناپذیر میباشد. از آنجاکه کمونیست‌ها و پیشروان و فعالین انقلابی و آگاه کارگری و نیز توده‌های بسیار وسیع مردم خواستار انقلاب و سرنگونی کلیت رژیم بوده و یا بطور مستقیم یا غیرمستقیم در این راستا فعالیت و مبارزه میکنند، در سطور ذیل تنها حالت اول را مورد توجه قرار میدهیم:

چنانچه اگر در ایران در آینده‌ای نزدیک و همانطور که گفته شد مثلاً حداکثر ظرف ده الی پانزده سال آتی انقلابی صورت گیرد، بنظر من، این انقلاب یک نوع انقلاب دموکراتیک بشرحی که گفته شد خواهد بود و نمیتواند انقلاب سوسیالیستی یعنی تحول و انتقال به سوسیالیسم بمعنای واقعی باشد. سطح آگاهی و تشکل سیاسی طبقه کارگر و توازن قواء طبقاتی در مقیاس مجموع جامعه چنان خواهد بود که انقلاب وقوع یابنده انقلابی از نوع انقلاب دموکراتیک خواهد شد. نیروهای چپ و کمونیستی تنها در رادیکال‌تر کردن این انقلاب و نتایج آن تأثیر گذار خواهند بود. گذشته ازاینکه معلوم نیست کمونیست‌ها و کارگران ایران در حال حاضر چه مفهومی از «سوسیالیسم» دارند و برداشت و درک آنان از «سوسیالیسم» تا چه اندازه واقعاً کمونیستی و صحیح انسانی (میتوان گفت یعنی منطبق با آنچه من در کتابم تحت عنوان «ملاحظات درباره مسئله سوسیالیسم» در این باره بیان داشته‌ام) میباشد و بنابراین از این لحاظ تا چه اندازه برای تحقق بخشیدن به سوسیالیسم آمادگی دارند. و گذشته از اینک - بنظر من - میزان تکامل اقتصادی و اجتماعی کاپیتالیستی جامعه ایران و وضع مشخص اقتصادی آن در زمان حاضر آنگونه نیست که پیش‌شرط‌های مادی و اجتماعی لازم برای گذار به سوسیالیسم واقعاً فراهم شده باشد. و گذشته ازاینکه امر بقاء سوسیالیسم بمفهوم واقعی و تکامل آن به کمونیسم در ایران و هر کشور جداگانه دیگری که در نظر گیریم همچنین منوط به وقوع بهنگام انقلاب سوسیالیستی و برپائی سوسیالیسم در سایر کشورها و در

^۱ - این نوشته در تاریخ ۵ ژوئن ۲۰۱۴ (به مناسبت مبارزات مردم در آن زمان) به رشته تحریر درآمده و سپس در تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۱۸ مورد بازبینی قرار گرفته و اصلاحاتی در آن وارد شده است. و در تاریخ ۸ می ۲۰۲۱ دوباره یک اصلاح بسیار مهم و چند خرده تغییر در آن انجام گرفته است.

مقیاس جهانی است و چنین رویدادی در عین حال مستلزم وجود پرولتاریائی با خودآگاهی طبقاتی نسبتاً بالا و کمونیست‌ها و احزاب کمونیستی‌ای مجهز به نظریه‌ها و نظرات واقعاً کمونیستی و تکامل‌یافته در عموم کشورهای جهان می‌باشد یعنی چیزی که امروزه وجود نداشته و - اگر تحقق‌یابد- تا آینده‌ای بیش‌وکم دور بوجود نخواهد آمد؛ و وقوع انقلابِ فرضاً سوسیالیستی در ایران تنها وقتی میتواند به وقوع چنین انقلابی در سایر کشورها دامن‌بزند که در این کشورها زمینه فکری و رشد آگاهی لازم در توده‌های کارگر و زحمتکش بوجود آمده‌باشد یعنی بسط و ارتقاء آگاهی طبقاتی طبقه کارگر بقدر کافی صورت‌گرفته و تشکل سیاسی آن تا حدودی انجام پذیرفته و یا سریعاً انجام‌پذیرباشد. و گذشته‌ازاینکه در جامعه کنونی ایران یک روبنای سیاسی و حقوقی بیش‌وکم فئودالی و ماقبل سرمایه‌داری حاکم است که در براندازی آن نه تنها طبقه کارگر و سایر زحمتکشان بلکه بخش عمده سایر اقشار اجتماعی نیز ذینفع هستند و این امر به انقلاب ایران- چنانچه در آینده نسبتاً نزدیکی رخ‌دهد- خصلت دموکراتیک می‌بخشد. این مسائل را باید واقعاً موردتوجه قرار داد و خوب درباره آنها اندیشید. اگر این مسائل را بطور درست و کافی موردتوجه و تعمق قراردهیم و درعین حال هدف غائی و نهائی امان تحقق جامعه واحد جهانی واقعاً کمونیستی باشد، آنگاه خواهیم دید که مطرح کردن سوسیالیسم بعنوان هدف کنونی طبقه کارگر و کمونیست‌های ایران یا هرکشور مشابه و جداگانه دیگر اصلاً نابجا و خطا هم هست.

اینکه کمونیست‌ها آرمان غائی و نهائی‌اشان جامعه جهانی واقعاً کمونیستی است که برای حصول به آن بایستی در هر کشور از طریق انقلاب سوسیالیسم برقرار و متحقق‌گردد و غیره، بدین معنا نیست که آنان در هر زمان و در هر شرایطی در جوامع سرمایه‌داری بایستی بلاواسطه و مستقیماً برای انقلاب سوسیالیستی و تحقق سوسیالیسم مبارزه نمایند و چنین هدفی را دنبال کنند. هدف مشخص و مستقیم کمونیست‌ها- و البته دارای آرمان کمونیسم- در هر زمان و مرحله معین را امکانات و شرایط عینی و ذهنی مشخص و بلاواسطه متعین می‌سازد.

چنانچه در ایران در آینده‌ای نسبتاً نزدیک انقلابی صورت‌گیرد و در نتیجه رژیم متلاشی و سرنگون و یا بنحو دیگری ساقط یا از قدرت برکنارگردد، بنظر من، حکومت جدید پس از این انقلاب یا دگرگونی حکومتی کثرت‌گرا یعنی متشکل از گروه‌ها و احزاب سیاسی مختلف خواهد بود و هر گروه یا حزب به نسبت جمعیت طرفدارش در قدرت سیاسی حاکم سهیم خواهد شد، و مجموع جریانها و نیروهای مدعی کمونیست-که البته حزب توده و اکثریت را شامل نمیشوند- حداکثر (تأکید میکنم: حداکثر) حمایت ده‌الی پانزده (و بسختی میتوان گفت الی بیست) در صدهالی یعنی جمعیت ایران را با خود خواهند داشت. این ارقام البته حاکی از رشد بسیار زیاد پیوند و مقبولیت توده‌ای کمونیست‌ها نسبت به زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ خواهد بود که در آن میتوان گفت آنان- غیراز منطقه کردستان و شاید ترکمن صحرا- تنها حمایت و موافقت کمتر از یک درصد جمعیت را با خود داشتند، ولی بهرحال با کسب حمایت و توافق نظر عمیق و واقعی اکثریت حتی‌الامکان هرچه بالاتر مردم توسط آنان- که برای انجام انقلاب سوسیالیستی و برپائی سوسیالیسم لازم است- هنوز فاصله بسیار زیادی دارد.

با وجود همه اینها، بدیهی است که کمونیست‌ها و پیشروان انقلابی طبقه کارگر باید حتی‌المقدور هم در این مبارزات مردم و بیشترازهمه در مبارزات کارگران شرکت کنند و فعالانه برای هرچه رادیکال‌تر کردن همه اینگونه مبارزات و تقویت و گسترش و ارتقاء سطح آنها کوشش نمایند؛ و هم درعین حال جهت پیشبرد کار ترویج و تبلیغ همه‌جانبه و بنیادی و مستمر آگاهی کمونیستی بمفهوم واقعی و تکامل‌یافته آن بویژه و عمدتاً در میان توده‌های کارگر- بمنابه مرحله یا جزئی از فرایند تاریخی و طولانی‌مدت زمینه‌سازی فکری و سیاسی یا به بیان دیگر تدارک فکری و سیاسی لازم برای انجام انقلاب سوسیالیستی و برپائی سوسیالیسم- تلاش نمایند.

حمید پویا

